

محمد خاتمی: شما نماینده ملت، ما دشمن ملت!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

دانش جویان دانشگاه تهران، روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در اعتراض به ورود نیکسون معاون آیزنهاور، رییس جمهور وقت آمریکا به ایران، دست به تظاهرات زده بودند، با تهاجم وحشیانه مامورین حکومت نظامی و قداره بندان به سردستگی «شعبان بی مخ» روبه‌رو شدند. پس از این واقعه دانش جویان به اعتراض خود در داخل دانشگاه تهران، که مورد محاصره مامورین حکومت نظامی قرار گرفته بود، هم چنان ادامه دادند. سرانجام ظهر روز ۱۶ آذر، مامورین حکومت نظامی در دانشکده فنی به دانش جویان تیراندازی کردند و سه دانش جو به نام های مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی را به قتل رساندند و عده ای را نیز مجروح کردند.

محمدرضا شاه، مامورینی را که بر روی دانش جویان آتش گشوده بودند مورد تشویق قرار داد. از آن روز دانش جویان معترض و چپ دست از مبارزه نکشیدند و دانشگاه ها را به بستری برای اعتراض با حاکمیت و مدافع مبارزه کارگران و زنان و مردم آزادی خواه تبدیل کردند. رژیم دیکتاتوری شاه، که با حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی و به ویژه حمایت امپریالیسم آمریکا، سر پا بود، در سال ۶۷ با انقلاب عظیم کارگران و مردم آزادی خواه و به ویژه دانش جویان سرنگون شد.

رژیم محمدرضا پهلوی، همواره سعی بر این داشت که روز دانش جو را با زور ساواک از صفحه تاریخ محو کند. اکنون نیز سلطنت طلبان و شاه الهی ها با سکوت خود سعی در تحریف آن دارند. هم چنین رژیم جمهوری اسلامی نیز تمام نیروهای ارتجاعی رسمی و غیررسمی خود را بسیج می کند تا مانع برگزاری سالگرد مراسم روزهای ۱۶ آذر ۳۲ و ۱۸ تیر ۷۸ شود. مامورین جمهوری اسلامی، در نزدیکی صبح ۱۷ تیر ۷۸، به خوابگاه دانش جویان دانشگاه تهران یورش برد. مامورین در این یورش وحشیانه خود یک دانش جو را به قتل رساندند و صدها دانش جوی دیگر را نیز زخمی کردند. بنابراین جنایت ۱۸ تیر ۷۸، ادامه جنایت ۱۶ آذر ۳۲، در تاریخ حاکمیت خونین بورژوازی ایران، از نوع «آریامهری» و «اسلامی» روزهای مهم تاریخی هستند که همواره با مبارزه آزادی خواهانه و برابری طلبانه علیه زور و ستم و استثمار سرمایه داری زنده نگاه داشته می شود.

امسال روز دانش جو، در حال و هوای دیگری برگزار شد. نه تنها کسی برای خاتمی هورا نکشید، بلکه دانش جویان پیشرو و چپ طوری به افشاگری پرداختند که خاتمی، با خشم گفت: «شما نماینده، ما دشمن ملت. کاری نکنید بگم بیرون تان کنند، آدم باشید!؟»

خاتمی، سخن رانی خود را با تعریف و تمجید از وزارت اطلاعات، این ارگان مخوف آغاز کرد. براساس گزارش خبرگزاری ایسنا، ۱۶ آذر ۸۳، «سیدمحمد خاتمی که در جمع دانش جویان در تالار چمران دانشکده فنی دانشگاه تهران سخن می گفت، افزود: «دولت می خواست بسیاری را بگیرد و ببندد اما این استراتژی ما نبود و این کار را نکردیم... رییس جمهوری، به عملکرد دستگاه امنیتی و اطلاعاتی کشور یعنی وزارت اطلاعات اشاره کرد و گفت: در کشورهای جهان سوم و حتا بسیاری از کشورهای پیشرفته نظام امنیتی و اطلاعاتی ابزار سرکوب، حذف و صاحب تاریک خانه هستند اما وزارت اطلاعات ما امروز با سعه صدرترین دستگاه نظام است... امروز وزارت اطلاعات به جهت تسلط در داخل و خارج بر عواملی که واقعا امنیت کشور را به خطر می اندازد بسیار قوی تر، موثرتر، آماده تر و هوشیارتر از گذشته برای حفظ منافع ملی است... رانده شدگان از انقلاب را که می خواهند برای ما سوغات آزادی دموکراسی بیاورند، راه دموکراسی از مسیر جمهوری اسلامی می گذرد...»

خبرگزاری کار ایران «ایلنا» نیز در گزارش خود نوشت: «... دانش جویان معترض، درب اصلی دانشگاه تهران را شکستند، اما با دخالت حراست دانشگاه، دانش جویان به سمت داخل دانشگاه هدایت شدند. براساس این گزارش، ممانعت انتظامات سالن چمران از ورود دانش جویان به این سالن سبب درگیری بین دانش جویان و مسئولان انتظامات شد که در پی این درگیری تعدادی از دانش جویان مجروح شدند و شیشه های در ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران شکست. اعتراض دانش جویان سالن چمران به این اقدام و اعتراض به حضور گزینشی عده ای از دانش جویان حاضر در سالن و همان طور عدم گنجایش کافی سالن برای حضور همه دانش جویان، روند جلسه را با اخلال مواجه کرد، به طوری که در ابتدای این جلسه اعتراض دانش جویان حاضر در سالن چندین بار سخنان خاتمی، رییس جمهور و دانش جویانی که به عنوان نمایندگان تشکل های دانشجویی سخن گفتند را قطع کرد.»

خاتمی، بی شرمانه هنگامی این حرف ها را می زند که وزارت اطلاعات رژیم مانند دیگر ارگان هایش دستگاهی مخوف، متجاوز، شکنجه گر و دستگاه بازتولید کننده جهل و جنایت و آدم کشی است. وحشی گری های وزارت اطلاعات رژیم، در سرکوب کارگران، زنان، جوانان و دانش جویان، تعقیب، تهدید و ترور فعالین سیاسی و نویسندگان،

روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان راه آزادی، زبان زد عام و خاص است. بنابراین خاتمی نیک می داند که نه تنها «رانده شدگان انقلاب»، بلکه هشتاد درصد جامعه ایران، خواهان برچیده شدن بساط کلیت رژیم جمهوری اسلامی هستند.

بدین ترتیب در مراسمی که به مناسبت ۱۶ آذر روز دانش جو، در دانشگاه تهران برگزار شد، به مراسم محاکمه کل سیستم جمهوری اسلامی و رییس جمهور آن تبدیل گردید. از سوی دیگر شعارهای مراسم های ۱۶ آذر، نشان از ریختن توهم دانش جویان نسبت به جناح دوم خرداد و کل رژیم و توجه آن ها به معضلات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کشور است.

شعارهای دانش جویان معترض عبارت بود از:

- آزادی زن، آزادی همگان است
- نان و آزادی برای همه
- جنبش دانش جویی از اعتراضات کارگران، معلمان و پرستاران جدا نیست
- زندانی سیاسی آزاد باید گردد
- دانش جو بیدار است، از خاتمی بیزار است
- خاتمی پینوشه، رای ما کوفتت بشه
- احکام جدید حراست، سرکوب دانش جویان
- تحقق آزادی تنها با جنبش مردمی نه با دخالت خارجی
- توپ، تانک... دیگر اثر ندارد
- دانش جو می میرد، ذلت نمی پذیرد
- مرگ بر استبداد و دیکتاتوری
- دیکتاتور، دیکتاتور، این آخرین پیام است
- ۱۸ تیر ۱۶ آذر ماست
- درد ما درد شماست مردم به ما بپیوندید
- حکومت زور نمی خواهیم پلیس مزدور نمی خواهیم

هر چند که اعتراض امسال دانش جویان در روز ۱۶ آذر، به لحاظ کمیت ابعاد گسترده ای نداشت؛ اما به لحاظ کیفیت و مضمون شعارها و عجز و درماندگی خاتمی، همگی بر این گواه هستند که جنبش دانش جویی ایران، نسبت به سال های قبل پخته تر و طبقاتی تر ظاهر شد. این اعتراضات نمونه ای از حرکت اعتراضی رادیکال و سوسیالیستی در میان جوانان و دانش جویان است. شعارهایی نظیر «آزادی زن، آزادی همگان است»، «پوستر علیه آپارتاید جنسی»، «تحقق آزادی تنها با جنبش مردمی نه دخالت خارجی» و یا «جنبش دانش جویی از اعتراضات کارگران، معلمان و پرستاران جدا نیست»، «نان و آزادی برای همه» و ... شعارهای هیچ کدام از جناح های رنگارنگ بورژوازی ایران در داخل و خارج کشور نیست، بلکه شعارهای عمومی ضد سرمایه داری جنبش کارگری کمونیستی است. بنابراین جنبش دانش جویی ایران، سال های سیاه و سخت دوران انقلاب فرهنگی و سرکوب وحشیانه ۱۸ تا ۲۳ تیر ماه ۸۷ را پشت سر گذاشته و در راه واقعی خود، یعنی راه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی و پیوند با جنبش کارگری گام گذاشته است. در چنین شرایطی فعالین جنبش کارگری کمونیستی، جنبش برابری طلب زنان، جنبش جوانان و دانش جویان رادیکال و مترقی و چپ و جنبش های مردم محروم و آزادی خواه و تحت ستم وظیفه سنگین و خطیری در پیوند دادن این جنبش ها دارند. تنها با پیوند این جنبش ها و سازمان دهی مبارزه پیگیر و هدف مند می توان با یک انقلاب اجتماعی جمهوری اسلامی را سرنگون کرد و آزادی، برابری، حکومت کارگری را در این کشور برقرار ساخت.